

The Theoretical Model of 'Spiritual Education' with an Islamic Approach: A Research Synthesis Study

Fatemeh Vojdani*

Abstract

Today, spiritual growth and education is receiving considerable attention in many countries of the world. On the other hand, the literature of spiritual education has become very popular in our country, Iran, in recent decades. Translating and using Western literatures, regardless of the difference in assumptions and foundations, entails the risk of eclecticism and subsequent deviations of the young generation. Therefore, in the first step, it is necessary to specify the theoretical model of spiritual education with an Islamic approach. This study aims at explaining the theoretical model of spiritual education with an Islamic approach. It is a qualitative study conducted through the method of research synthesis. After analyzing the content of the selected documents, coding the data, categorizing the data under 8 categories, synthesis and combination of data, finally, the eight components of spiritual education with an Islamic approach were extracted and explained as follows: the concept of Islamic spirituality, the definition of spiritual education, the characteristics of spiritual education, the foundations, objectives, principles, and methods of spiritual education, as well as the relationship between religion and spiritual education, were achieved and explained. Finally, some ambiguities and challenges as well as suggestions for further studies were presented.

Keywords: spirituality, spiritual education, Islam.

* Assistant Professor of the Philosophy of Education, Faculty of Theology and Religious Studies, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, vojvani@sbu.ac.ir.

الگوی نظری «تربیت معنوی» با رویکرد اسلامی؛

یک مطالعه سنتزپژوهی

فاطمه وجدانی*

چکیده

امروزه رشد و تربیت معنوی در بسیاری از کشورهای جهان مورد توجه جدی قرار دارد. از سوی دیگر، ادبیات تربیت معنوی در دهه‌های اخیر در کشور ما نیز رواج بسیاری پیدا کرده است. ترجمه و استفاده از متون غربی بدون توجه به تفاوت در مفروضه‌ها و مبانی، خطر التقاط و انحرافات بعدی نسل جوان را در پی دارد. لذا در اولین قدم لازم است الگوی نظری تربیت معنوی با رویکرد اسلامی مشخص شود. هدف این تحقیق تبیین الگوی نظری تربیت معنوی با رویکرد اسلامی است. این پژوهش یک مطالعه کیفی است که با روش سنتزپژوهی انجام گرفته است. پس از تحلیل محتوای اسناد منتخب، کدگذاری داده‌ها، دسته‌بندی داده‌ها ذیل هشت طبقه، با هم‌نگری و ترکیب داده‌ها، در نهایت، مؤلفه‌های هشت‌گانه تربیت معنوی با رویکرد اسلامی شامل: مفهوم معنویت اسلامی، تعریف تربیت معنوی، ویژگی‌های تربیت معنوی، مبانی، اهداف، اصول، و روش‌های تربیت معنوی، و همچنین، نسبت میان دین و تربیت معنوی به دست آمد و تبیین شد. در نهایت، برخی ابهامات، چالش‌ها و همچنین، پیشنهادات پژوهشی برای ادامه مسیر پژوهش‌ها مطرح شد.

واژگان کلیدی: معنویت، تربیت معنوی، اسلام.

* دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده الهیات و ادیان.

مقدمه و طرح مسئله

امروزه در جهان غرب، تربیت معنوی^۱ دانش‌آموزان از نیازمندی‌های اصلی مدارس محسوب می‌شود و اعتقاد بر این است که تربیت معنوی باید در برنامه مدارس گنجانده شود؛ چرا که ارزش‌های انسانی و جهانی را به کودکان می‌آموزد، رفتارها و عادات سلامت محور را در آنها ایجاد می‌کند، خدمت به جامعه و نیز، زندگی در صلح و عشق را به ایشان می‌آموزد (آرویک و نسیت، ۲۰۰۷). تربیت معنوی علاوه بر تدارک رشد کامل و همه‌جانبه افراد (مولین-استوزک، ۲۰۲۰)، یک سبک زندگی سالم، شخصیت و روان سالم و حتی یک بدن سالم را در افراد جامعه تامین می‌کند (مومینوا، ۲۰۲۱) و بسیاری از مشکلات عاطفی-رفتاری متربیان را کاهش می‌دهد (وودوارد، ۲۰۰۷). آریا (۲۰۱۷) معتقد است که یک سیستم آموزشی بدون معنویت‌گرایی، کامل نیست و دانش به خودی خود، انسان را ضعیف‌تر می‌کند.

شاید تا چند دهه پیش میان آموزش مدرسه‌ای و تربیت معنوی در غرب تناقض احساس می‌شد؛ ولی اکنون در بسیاری مدارس غربی نیز علاقه جدیدی جوانه زده که رشد معنوی با آموزش مدرسه‌ای تلفیق شود و تناقض‌ها از میان برداشته شود (مولین-استوزک، ۲۰۲۰). از نظر بسیاری از اندیشمندان غربی معنویت بخش ذاتی هر فرد و جنبه مهم زندگی سالم اوست؛ چه باورهای مذهبی داشته باشد و چه نداشته باشد (گیزنبرگ، ۲۰۰۰). البته ابتدای تربیت معنوی بر دین نیز قائلان زیادی دارد (مانند: پالمر، ۱۹۸۱؛ فیشر، ۲۰۱۴؛ بلوس، ۲۰۲۱؛ دِ اسیس، ۲۰۲۱) و بسیاری در همین راستا بر ضرورت تقویت فرهنگ‌های اصیل و سنتی مذهبی هر کشور، تأکید می‌کنند (ویکولوا و همکاران، ۲۰۲۱).

در اسلام معنویت‌گرایی یکی از ارکان تربیتی این دین الهی برای ارتقای معنویت فرد و جامعه محسوب می‌شود (الوندی، ۱۳۹۳)؛ لذا ظرفیت پرداختن به مقوله تربیت معنوی در کشور ما وجود دارد. در عمل نیز، به‌ویژه در ۱۰-۱۵ سال اخیر پژوهشگران زیادی در کشور تلاش کرده‌اند با رویکرد بومی و اسلامی به مطالعه این مقوله بپردازند. گرچه واژه «معنویت»^۲ و مشتقات آن در منابع اصیل اسلامی و در ادبیات تربیت اسلامی به‌کار نرفته است (مصباح، ۱۳۸۹؛ صادق‌زاده قمصری، ۱۳۹۸)، اما «تربیت معنوی» در دهه‌های اخیر در ادبیات پژوهشی ما نیز رواج زیادی پیدا است.

«تربیت معنوی» به دلیل عدم شفافیت مفهوم «معنویت»، به خودی خود، یک موضوع

1. Spritual Education

2. Sprituality

ذاتاً پیچیده، دشوار و مورد مناقشه است؛ رابطه آن با دین نیز، بر این پیچیدگی می‌افزاید (آدامز و همکاران، ۲۰۱۵)؛ به‌گونه‌ای که برخی اندیشمندان مفهوم معنویت را در دو رویکرد دینی و فارغ از دین، اشتراک لفظی می‌دانند (باغلی و همکاران، ۱۳۹۱).

از آنجا که بافت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مبانی کاملاً مشخص و مستحکمی است، خطر عدم تناسب و ناکارآمدی الگوهای تربیتی غربی برای نظام تربیتی ما، مسئله‌ای جدی است و الگوپردازی نظری تربیت معنوی متناسب با رویکرد اسلامی امری ضروری به نظر می‌رسد. این کار علاوه بر رفع ابهامات و روشن‌تر نمودن دیدگاه اسلام در این زمینه، طراحی الگوهای عملیاتی مناسب بعدی را پی‌ریزی می‌کند و در نهایت، از انحرافات معنوی افراد در جامعه اسلامی جلوگیری می‌کند؛ به‌ویژه که از نگاه صاحب‌نظران جریان معنویت‌گرا حتی در کشور ما روایت‌های متعدد و متفاوتی دارد که منجر به ظهور و بروز این جریان‌ها در جامعه و بروز مشکلات بعدی می‌شود (علم‌الهدی، ۱۳۹۸).

تا کنون پژوهشگران زیادی در کشور تلاش کرده‌اند تربیت معنوی را با رویکرد اسلامی مورد مطالعه و تبیین قرار دهند. برخی مستقیماً به سراغ منابع اصیل دینی همچون قرآن و روایات رفته‌اند؛ به‌عنوان نمونه قرآن کریم و روایات (مانند: انتظامی بیان و احقر، ۱۳۹۴؛ رضوی، ۱۳۹۶؛ علاء‌الدین، ۱۳۹۷؛ ثناگویی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰؛ طهماسب‌زاده شیخ‌لار و جلیل‌زاده، ۱۴۰۰)، دیدگاه امام علی (علیه السلام) (مانند: بیات، ۱۳۹۳؛ قاسمیان گرجی، ۱۳۹۳؛ یداللهی و همکاران، ۱۳۹۷؛ برهمن و سلحشوری، ۱۳۹۹؛ رضایت، ۱۴۰۰؛ ورمزیار و همکاران، ۱۴۰۰)، صحیفه سجادیه (هاشمی، ۱۳۹۸؛ موسوی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰) و آموزه‌های رضوی (مانند: حسین‌پور تنکابنی، ۱۳۹۹) را مبنای قرار داده‌اند. گاه نیز از دیدگاه اندیشمندان مسلمان همچون علامه طباطبایی (مانند: اشعری، ۱۳۸۷؛ ملکی، ۱۳۹۴؛ اقدامی و همکاران، ۱۴۰۰)، امام خمینی و آیه الله شاه‌آبادی (مانند: ندری ابیانه و خاکی، ۱۳۹۴؛ وکیلی و همکاران، ۱۳۹۶)، سید حسین نصر (مانند: شمشیری و همکاران، بی‌تا؛ همو، ۱۳۹۸)، مولانا (کشاورزیان و حسینی، ۱۴۰۰)، امام محمد غزالی (مانند: یوسفی، ۱۳۸۹) و... استفاده شده است. برخی پژوهشگران نیز تربیت معنوی را بر اساس اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران مورد مطالعه قرار داده‌اند (مانند: کیانی و همکاران، ۱۳۹۴؛ ثباتی، ۱۳۹۶). برخی نیز از طریق مصاحبه با خبرگان، در پی شناسایی مفهوم تربیت معنوی و بررسی چگونگی تحقق آن برآمده‌اند (مانند: بیاتی و همکاران، ۱۳۹۶؛ نصراللهی و همکاران، ۱۳۹۷).

البته گاهی نیز در میان پژوهش‌های انجام‌شده کاستی‌های جدی مشاهده می‌شود؛ مثلاً، بدون

طی نمودن مراحل منطقی کار همچون: مفهوم‌شناسی معنویت و تربیت معنوی، و با بدون تبیین مبانی یا چارچوب نظری بحث، صرفاً «روش»‌هایی برای پرورش معنویت پیشنهاد می‌شود. یا «چیستی» تربیت معنوی از آثار اندیشمندان غربی و «چگونگی» آن از منابع اسلامی استخراج می‌شود و لذا انسجام کار دچار اختلال می‌شود. گاهی نیز التقاط تعاریف غربی و اسلامی از مفاهیم و عدم موضع‌گیری مشخص در این مورد؛ و حتی التقاط در بخش راهکارها و روش‌های تربیتی باعث سردرگمی می‌شود. در برخی پژوهش‌ها چارچوب و مؤلفه‌های تربیت معنوی از نظریه‌های غربی گرفته شده و سپس محتوا با منابع دینی جایگزین شده است؛ و در این‌گونه موارد دست‌کم، امکان و منطق این کار توجیه نشده است. گاهی یکی بودن تربیت معنوی با تربیت اخلاقی یا دینی بدیهی انگاشته شده و بدون توضیح و تصریح و اتخاذ موضع، همان محتوای رایج تربیت دینی یا اخلاقی، صرفاً با یک «عنوان» جدید (تربیت معنوی) بیان شده و خواننده را از دستیابی به یافته‌های نو ناامید می‌سازد. کمبود نوآوری و تکرار یافته‌های پژوهش‌های قبلی با یک چنین تا حدودی متفاوت نیز از دیگر کاستی‌های برخی پژوهش‌های حوزه تربیت معنوی در کشور است. در مجموع، می‌توان گفت ما در زمینه الگوپردازی نظری تربیت معنوی با رویکرد اسلامی هنوز در ابتدای راه هستیم و با توجه به حساسیت تربیت معنوی در کشور ما، پرداختن به الگوی نظری تربیت معنوی با رویکرد اسلامی مسئله مهمی است. این تحقیق در پی مشخص نمودن الگوی نظری تربیت معنوی (با رویکرد اسلامی) از طریق سنتز پژوهی است.

سؤال تحقیق این است که الگوی نظری «تربیت معنوی» با رویکرد اسلامی چگونه است؟

پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی است که با روش سنتز پژوهی انجام گرفته است. سنتز پژوهی در پی عملیاتی کردن این اصل است که علم قابلیت تجمیع یا تراکم نظام‌مند دانش‌های تولیدشده پیشین را دارد (چالمز، هدگنز و کوپر، ۲۰۰۲) و در پی آن است که یافته‌های استخراج‌شده از مطالعات کیفی دیگر را که در پاسخ به سؤال پژوهش مشترک هستند، ترکیب کند. به علاوه، با حل تعارضات موجود در ادبیات تحقیق، موضوعات اصلی را برای تحقیقات آینده مشخص نماید (کوپر، ۲۰۰۹). برای سنتز پژوهی ابتدا سؤالات و اهداف پژوهش مشخص می‌شوند (و بدین ترتیب، فرایند سنتز مشخص می‌شود)، سپس جغرافیای پژوهش تعیین می‌شود (از جمله تعیین ملاک‌های جستجوی اسناد در پایگاه‌ها، معیارهای جستجو و انتخاب نمونه از میان اسناد گردآوری شده)؛ سپس اسناد منتخب مورد واکاوی (و نقد) عمیق قرار می‌گیرند و در نهایت، سنتز و تجمیع عناصر جدا از هم، انجام می‌شود (ساینی و شلون اسکای، ۲۰۱۲).

برای یافتن ویژگی‌ها و مؤلفه‌های الگوی نظری تربیت معنوی با رویکرد اسلامی، ابتدا

پژوهش‌های منتشرشده مرتبط با تربیت معنوی، در داخل کشور در قالب رساله دکتری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد و مقالات علمی معتبر، مشتمل بر ۹۵ سند، جمع‌آوری و مورد مطالعه اولیه قرار گرفتند. سپس اسناد مذکور بر اساس ملاک‌های زیر، مورد غربالگری دقیق قرار گرفتند:

۱. پژوهش اصیل باشد؛ بدین معنا که داده‌های پژوهش به صورت منسجم و متمرکز از منابع اسلامی مشخصی مانند قرآن کریم، نهج البلاغه، روایات، یا دیدگاه‌های یک اندیشمند مسلمان خاص و معتبر و یا از اسناد تحولی جمهوری اسلامی ایران استخراج شده (و از کارهای التقاطی و تکراری به دور) باشد.

۲. مبانی تربیت (معنوی) با مبانی فکری و فرهنگی کشور که در اسناد بالادستی تعلیم و تربیت ج.ا.ا. نیز انعکاس یافته است، منافات نداشته باشد. چرا که مبانی نظری تربیت معنوی، سخت هسته الگو نظری تربیتی را تشکیل می‌دهد و نیز الگوهای تربیتی قابل جمع و ترکیب هستند که دارای مبانی هماهنگ و همسو باشند.

۳. به طور نسبتاً تفصیلی و جامع به چیستی، چرایی و چگونگی تربیت معنوی پرداخته باشد؛ نه اینکه صرفاً بخش محدودی مثلاً کارایی یک روش خاص را در تربیت معنوی سنجیده باشد.

۴. تعریف مشخص و صریحی از تربیت معنوی (با رویکرد اسلامی) ارائه شده باشد. این امر می‌تواند نشان‌دهنده ذهنیت روشن و پخته محقق و تسلط کامل تر ایشان بر این حوزه باشد. پس از چند بار بررسی دقیق، در نهایت، با توجه به ملاک‌های مذکور، به صورت هدفمند، شش مورد از اسناد به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند (جدول ۱).

جدول ۱. پژوهش‌های منتخب در حوزه تربیت معنوی با رویکرد اسلامی

ردیف	نام پژوهشگر و سال انتشار	عنوان پژوهش
۱	انتظامی بیان و احقر (۱۳۹۴)	تبیین ماهیت تربیت معنوی و راهبردهای تحقق آن در آموزه‌های قرآنی
۲	حیدری ستوده (۱۳۹۱)	تربیت معنوی از دیدگاه امام علی <small>علیه السلام</small> بر مبنای نامه‌های نهج البلاغه
۳	اشعری (۱۳۸۷)	بررسی مفهوم اصول و روش‌های تربیت معنوی با تأکید بر آراء علامه طباطبایی
۴	اقدامی و همکاران (۱۴۰۰)	تبیین الگوی رویکرد معنوی به تربیت دینی در دوره دوم کودکی؛ مبتنی بر معرفت‌شناسی از منظر علامه طباطبایی
۵	کیانی (۱۳۹۴)	تبیین تربیت معنوی برای کودکان در غرب و نقد آن با تأکید بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران
۶	کشاوریان و حسینی (۱۴۰۰)	بررسی مقالات شمس جهت آشنایی با مکتب تربیتی شمس تبریزی و ارائه الگویی برای تربیت معنوی

در مرحله بعد، اسناد منتخب مورد تحلیل محتوایی قرار گرفتند، داده‌ها، کدگذاری و سپس ذیل هشت طبقه (هشت مؤلفه الگوی نظری تربیت معنوی) دسته‌بندی شدند. همچنین، گاهی ذیل

توضیح برخی از مؤلفه‌ها، ابهامات و نکات قابل تامل در مورد پژوهش‌های بررسی شده نیز مطرح شده است که می‌تواند به لحاظ جهت‌دهی پژوهش‌های بعدی مفید واقع شود.

معرفی اجمالی پژوهش‌های منتخب

به جهت ماهیت کیفی و فلسفی پژوهش حاضر و اهمیت نکات مطرح در هر یک از پژوهش‌ها (و به‌ویژه نو بودن نسبی این حوزه پژوهشی)، مفید به نظر می‌رسد که ابتدا مهم‌ترین یافته‌های پژوهش‌های منتخب به اختصار مطرح شود:

مورد اول (انتظامی بیان و احقر، ۱۳۹۴)

رسیدن به معنویت صرفاً در بستر دین توحیدی میسر است و عقل بشری برای آن کافی نیست. معنویت دینی، در ارتباط با وجود خالق معنا می‌یابد و از طریق راهنمایی‌های دین امکان‌پذیر است (نقل از باغلی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۹۴). معنویت اسلامی امری ذهنی، خیالی و حاصل احساسات سرشار انسانی نسبت به واقعیات مادی نیست، بلکه احساسی است که انسان نسبت به حقایق پیدا می‌کند که در افقی بالاتر از عالم ماده، وجود دارند و بر عالم تأثیر می‌گذارند. در معنویت اسلامی تجربه معنوی تنها در چارچوب و ضوابط خاصی (مانند اجتناب از گناه) میسر است.

تربیت معنوی عبارت است از پروراندن و رشد دادن معنویت فطری متربی تا رسیدن وی به مرز ایمان و دیدن باطن و ماورای ظاهر دنیا و رهایی از تعلقات مادی و ایجاد حال و شور و جاذبه قوی و شدید و در عین حال منطقی و صحیح برای حرکت به سوی خدای یگانه و قرار گرفتن تحت و لایت نورانی او. تربیت معنوی تربیتی خدامحور و اصلاح‌کننده رابطه انسان با آفریدگار است. ویژگی بارز چنین رویکردی، تقویت بنیان‌های اعتقادی و عرفانی و روحیه عبودیت است. تربیت معنوی مستلزم تلاش متربی به علاوه تأیید، حمایت، اذن و مشیت الهی است.

تزکیه نفوس، از اهداف اساسی و اولیه تربیت معنوی است. تربیت معنوی برای این است که انسان روابط خود را با خدا، جهان، زندگی دنیا و آخرت شکل دهد. در پرتو تربیت معنوی، زندگی رنگ و بوی الهی می‌یابد و رفتارها و پندارهای انسان در جهت کسب توشه برای سفر بزرگتر (آخرت) نهادینه می‌گردد.

متربی، موجودی دو بعدی (روحانی و جسمانی) است و حقیقت روح، از امر و ملکوت عالم است. انسان حدوثاً و بقائاً وابسته به خدا و نیز دارای هویت ذومراتب است.

تربیت معنوی با ده روش صورت می‌گیرد: تفکر و اندیشه مقایسه‌ای، مراقبت و محاسبه مستمر نفس، تلاوت آیات الهی و انس با قرآن، دعا، همراهی با اهل معنویت، جهاد، انفاق، توجه به عبرت‌ها، تکرار یاد قیامت و عوامل نجات و گرفتاری در آن، ابتلا و آزمایش.

مورد دوم (حیدری ستوده، ۱۳۹۱)

مهم‌ترین دغدغه و مقصد نهایی دین، تعالی روحی و معنوی انسان است. در اسلام معنویت پایه و اساس عبادات است و در بندگی انسان و ارتباط روحانی با خدا خلاصه می‌شود و فرد در این مرحله به نوعی تجربه شخصی و منحصر به فرد دست می‌یابد که از عالم ماده گذشته و به معنا می‌رسد و به تبع آن زندگی معنادار می‌شود. در معنویت اسلامی حدود و ثغور معنویت و نوع ارتباطات چهارگانه انسان را اسلام معین می‌کند. معنویت دارای مراتب است.

تربیت معنوی تربیتی است هدفمند، که فرد با ریاضت نفس و با ملازمت تقوای الهی و با یاد و ذکر خدا در همه مراحل زندگی و با توکل بر او و شکر انعام او از طریق عبودیت و جلب رضایت و خشنودی او از طریق خدمت به بندگان خدا و رعایت عدالت و احسان و محبت در عملکرد خود و در رفتار با مردم، و با یادآوری مرگ و قیامت، دل را از وجود رذایل تصفیه نموده و با کسب فضایل به غایت تربیت معنوی که ملاقات با رب است نائل می‌آید. شش ویژگی تربیت معنوی عبارت‌اند از: خدامحوری، پرواپیشگی، باطن‌گرایی، تلاش، شهود، و فنا. تربیت معنوی از خانواده شروع می‌شود.

مبانی هستی‌شناختی تربیت معنوی (خدا مبنای هستی، خدایینی و رابطه با خدا)؛ مبانی انسان‌شناسی (عقل، فطرت، عزت)؛ مبانی معرفت‌شناسی (نور بودن و سودمندی علم) قابل توجه هستند.

انسان در طی تربیت معنوی از خود مادی (ظاهر) شروع می‌کند و به سمت باطن و خود حقیقی حرکت می‌کند. با وجود اهمیت جسم و روح، تربیت بعد روحی مهم‌تر است. همچنین، انسان فطرتاً گرایش به سوی عالم ملکوتی دارد و اگر مطیع حواس خود نباشد و محسوسات را کنترل نماید، خواهد توانست به حقیقت دست یابد.

منابع معرفت عبارت‌اند از: الله تعالی، کتاب الهی، انبیا و اوصیای الهی، عارفان و دانشوران، تاریخ، ابزار شناخت عبارت‌اند از: عقل، شهود، تجربه؛ و شهود هسته مرکزی تربیت معنوی است.

هدف غایی تربیت معنوی قرب الهی، لقای الهی و رضوان الهی است و اهداف واسطه‌ای

عبارت‌اند از: آخرت‌گرایی، تقوا، بندگی و عبادت، ایمان، یقین، شکرگزاری. تربیت معنوی دستیابی به ملکات فاضله، صفای دل و فلاح و رستگاری را در پی دارد.

تربیت معنوی دارای ۱۰ اصل (توحید، تفکر، کرامت، زهد، تواضع‌گرایی، اعتدال، ولایت، احسان، محبت، آزادی) است. روش‌های تربیت معنوی شامل روش‌های دیگر سازی و روش‌های خودسازی است. روش‌های دیگر سازی شامل روش‌های شناختی (اعطای بینش)، عاطفی (موعظه) و رفتاری (الگویی، تربیت عملی، امر به معروف و نهی از منکر) است. روش‌های خودسازی نیز شامل ۱۳ روش (انجام واجبات و ترک محرمات، ذکر، دعا، مراقبه و محاسبه، قرآن، صبر، خوف و رجاء، توکل، توبه، رضا، فروخوردن خشم و عفو و گذشت، راستگویی، آزمایش و ابتلا) می‌باشد.

مورد سوم (اشعری، ۱۳۸۷؛ ۱۳۹۸؛ اشعری و همکاران، ۱۳۹۱).

معنویت در وجود انسان نهاده شده و باطن دین و محور مشترک تمام ادیان الهی است. در تعالیم دینی و اخلاقی، باید از ظواهر به سمت عمق و روح آن دستورات حرکت نمود؛ لذا تربیت معنوی به دو حوزه دین و اخلاق هویت جدیدی می‌بخشد. کسی که قلمرو ظاهری هستی را در کانون توجه خود قرار داده و از عالم غیب غفلت بورزد، حتی در صورت ملتزم بودن به دستورات دین، به هدف و مقصود آن نمی‌رسد. معنویت آفاقی و انفسی دو منبع ناگسستنی معنویت هستند؛ اما معنویت انفسی مورد تأکید است.

تربیت معنوی جهت‌دهی به فرایند تجرد نفس متناسب با فطرت ربوبی انسان است که در پی تقویت میل، تفصیل معرفت و انجام عمل متناسب با آن است. تربیت معنوی در راستای تفصیل بخشیدن به میل و معرفت ربوبی و شکل دادن به ملکات نفسانی معنا می‌یابد. تجرد نفس با فعلیت قوه خیال آغاز می‌شود و عمل، مداومت و ملکه اهمیت فراوانی دارد.

مبانی هستی‌شناختی تربیت معنوی (از جمله چند لایه بودن عالم هستی، وجه خدایی و وجه خلقی همه موجودات، شعور مندی همه موجودات هستی)؛ مبانی خداشناختی (خدا وجود مطلق و موجود یگانه، خیر محض و کمال مطلق، یگانه رب جهان آفرینش)؛ مبانی انسان‌شناختی (مراتب وجودی نفس انسان، ابعاد ظاهری و باطنی قوای انسان، تأخر کمال انسان نسبت به وجود او، و عمل انسان، مربی او)؛ و مبانی معرفت‌شناختی شامل: تجرد علم، واحد و لایه‌ای بودن معرفت؛ منابع شناخت (حس، عقل و قلب)، انواع معرفت (حصولی و شهودی)، و راه‌های توسعه معرفت (استدلال قیاسی و عمل ارادی) است.

تربیت معنوی دارای اهداف شناختی (حذف موانع شناخت صحیح رب، ارتقاء سطح معرفت نسبت به رب)، گرایشی (زدودن گرایش به غیر خدا، تعمیق و رشد میل و محبت به خدا) و عملی (مقابله با عوامل بازدارنده عمل بر مبنای فطرت ربوبی، تسهیل مسیر انجام عمل بر آن مبنای) است. اصول و روش‌های تربیت معنوی متناظر با سه ساحت وجودی به سه دسته کلی تقسیم می‌شود:

الف) حوزه شناختی

اصل و روش سلبی: اصل عدم تشبیه خدا به سایر موجودات (روش ذکر تسمیعی)
اصل و روش ایجابی: اصل ارتقاء سطح معرفت متناسب با ظرفیت فراگیرنده (روش استعاره)

ب) حوزه میلی

اصل و روش سلبی: اصل پالایش خیال (روش تمرکز بر یک صورت خیالی)
اصل و روش ایجابی: اصل افزایش حب عبودی (روش توجه به تفاوت‌های فردی در گرایش به خدا)

ج) حوزه عمل

اصل و روش سلبی: اصل حریت در عمل (روش کناره‌گیری، روش عادت‌شکنی)
اصل و روش ایجابی: اصل ایجاد ملکه (روش تکرار عمل)
تربیت معنوی ذومراتب بوده، در سطح اول: آزادگی، تسلط به خود و توجه به معانی است. در سطح دوم، مبتنی بر باور به خدا (بسته به ادیان مختلف) و سطح سوم مبتنی بر ولایت‌پذیری اهل بیت (علیهم‌السلام) است.

مورد چهارم (اقدامی و همکاران، ۱۴۰۰)

معنویت در بافت دین اسلام به معنای تعمیق دینداری (نقطه مقابل فرمالیسم و قشری‌گرایی) است؛ یعنی اعمال دینی با توجه به معنا و هدف آنها انجام شوند (نقل از حمیدیه، ۱۳۹۸). معنویت نوعی حیات برتر و ملکوتی برخاسته از فطرت الهی است که در آن، انسان کمالات خاص خودش را در سایه ایمان به خدا و عمل صالح در ساحت‌های بینشی، گرایشی و رفتاری بروز می‌دهد (نقل از مرزبند، ۱۳۹۶، ص ۱۵۱).

تربیت دینی معنوی، رویکردی به تربیت دینی است که در یک نگاه جامع و کلان با تربیت روح و همچنین، توجه دادن به مفاهیم باطنی و عمیق دینی، توجه فرد را از سطوح ظاهری به هسته شریعت، که عقلانیت و فطرت است، معطوف می‌نماید. تربیت دینی معنوی در دوره کودکی متوجه قوای حسی و خیالی کودکان بوده، زمینه رشد فضایل اخلاقی و تربیت دینی و اعتقادی و تعمیق دینداری در دوره‌های بعدی را فراهم می‌کند. تربیت معنوی، ذومراتب است و تا پایان عمر ادامه دارد.

تربیت معنوی دارای چهار مبنای معرفت‌شناختی است: ادراکات انسان (حسی، خیالی و عقلی)، نمادها، اشارتگر حقیقت‌اعلی، ترجیح معرفت‌انفسی بر معرفت‌آفاقی، نقش فرقان در گستره معرفت آدمی.

تربیت معنوی چهار هدف دارد: تربیت حس و خیال به‌عنوان زمینه عقل‌ورزی، آشنا کردن کودک با زبان نمادین دین، ارجاع فرد به نفس خویش (معرفت نفس)، بسترسازی پرورش خویشنداری (تقوا).

تربیت معنوی کودک را در معناسازی و معنایابی برای زندگی اصیل و هدفمند و درک روابط چهارگانه‌اش در زندگی در دوره‌های سنی بعد کمک می‌کند.

اصول تربیت معنوی شامل: توجه و اهتمام به تربیت قوای حسی کودک، پرورش قوه خیال کودک، نمادپردازی مفاهیم دینی در قالب‌های جذاب و متنوع هنری، برانگیختن توجه کودک به معرفت‌های انفسی و حضوری، خودکنترلی کودک، خمیرمایه تقوا و بسترسازی برای فرقان هستند.

مورد پنجم (کیانی، ۱۳۹۴؛ ۱۴۰۰)

معنویت، ناظر به مفهوم «قرب الی الله» و ارتباط وجودی با خداست؛ ذومراتب است و مستلزم تحقق اختیاری «حیات طیبه» مبتنی بر نظام معیار دینی است. مرجع امر معنوی، خدا است که واقعیت داشته، کشف کردنی و قابل شناسایی است. معنویت، فطری انسان بوده، کارکرد محوری و ضروری دین است. معنا در سطح ارتباط با خدا کشف کردنی و در سطوح پایین‌تر (ارتباط با خود، دیگران و محیط) ساختنی است. معنویت اسلامی علاوه بر دینداری درونی، اعمالی خاص (دینداری برونی) می‌طلبد؛ مستلزم همراهی عقل و قلب [همراه با تقوا] و عمل است و قوت و سلامت همه ابعاد جسمی و روحی را نیاز دارد.

تربیت معنوی به لحاظ هستی‌شناختی، ناظر به جستجوی حقیقت درباره وجود خدا؛ در بعد معرفت‌شناختی ناظر به گسترش شناخت صحیح درباره خدا؛ و متناظر با بعد انسان‌شناختی ناظر

به پرورش روح کودک و تقویت گرایش او به خدا؛ و در بعد ارزش‌شناختی در پی تحقق آگاهانه و اختیاری حیات طیبه در همه ابعاد و شئون زندگی است. در تعبیر دیگر، تربیت معنوی برای کودکان در وجه شناختی، کودک را به سوی کشف حقیقت درباره وجود خدا و گسترش شناخت صحیح درباره او؛ و در وجه گرایشی، کودک را به سمت برقراری ارتباط عاطفی با خدا و گسترش محبت نسبت به او؛ و در وجه عملی نیز کودک را به سوی اراده و عمل در همه ساحت‌ها جهت تحقق حیات طیبه در سطوح متناسب سوق می‌دهد.

تربیت معنوی دارای مبانی هستی‌شناختی (از جمله خدا مبدأ و منشأ جهان و یگانه مالک، مدبر و رب حقیقی همه موجودات عالم و غایت همه موجودات)؛ مبانی معرفت‌شناختی (از جمله: توانایی انسان نسبت به شناخت هستی و درک موقعیت خود و دیگران/ اقسام حقیقی و اعتباری علم؛ و مراتب آن/ معیار اعتبار علم، مطابقت با مراتب گوناگون واقعیت/ علم در عین ثبات، دارای پویایی)؛ مبانی انسان‌شناختی (جسم و روح، نفس جسمانیة الحدوث و روحانیة البقا/ روح، حقیقت انسان/ فطرت الهی انسان (معرفت و گرایشی)/ آزادی و اختیار)؛ مبانی ارزش‌شناختی (از جمله: سلسله‌مراتب ارزش‌ها با غایت قرب الی الله/ حیات طیبه وضع مطلوب زندگی بشر/ حیات طیبه مفهومی یکپارچه و کلی شامل همه ابعاد فردی و اجتماعی و شئون گوناگون/ تولی و تبری تنها راه تحقق کامل حیات طیبه/ خدا خیر بنیادین و نیز بنیاد خیر).

هدف کلی: قرب الی الله در همه ابعاد و شئون است؛ و اهداف جزئی شامل: کشف حقیقت وجود خدا؛ گسترش شناخت صحیح درباره خدا؛ تقویت گرایش به سوی او؛ پرورش روح به سوی خدا؛ تحقق آگاهانه و اختیاری حیات طیبه در همه ابعاد و شئون زندگی است.

اصول تربیت معنوی شامل:

اصول ناظر به هدف کشف حقیقت وجود درباره خدا: کشف وجود خدا، هدایت متربی به سوی شناخت مراتب و سطوح مختلف علم، به‌کارگیری منابع مختلف.

اصول ناظر به هدف گسترش شناخت درباره خدا: پرورش اعتقادات صحیح درباره خدا، توسعه چشم‌انداز درباره اعتقادات معنوی سایر سنن، پرورش تفکر انتقادی، گسترش شناخت درباره خدا متناسب با قدرت شناخت، رفع موانع شناخت صحیح درباره خدا، زدودن خطاهای شناختی درباره خدا.

اصول ناظر به هدف تقویت گرایش به خدا: ایجاد زمینه ارتباط عاطفی با خدا، کنارگذاشتن محبت‌های کاذب، پالایش خیال.

اصول ناظر به پرورش روح: پرورش اراده نیک، ایجاد ملکه نیک، آزادگی از خود، آزادگی اخلاقی

اصول ناظر به هدف تحقق حیات طیبه در همه ابعاد و شئون زندگی: هدایت شئون اعتقادی، عبادی و اخلاقی، زیستی و بدنی، اجتماعی و سیاسی، اقتصادی و حرفه ای، علمی و فناوری و هنری و زیباشناختی در مسیر تحقق حیات طیبه، دور ساختن این شئون از پلیدی‌ها، تدریج و تعالی مرتبتی، اعتدال، داشتن معلم و اسوه نیک.

رویکرد تربیت معنوی کل‌گرا و بزرگتر از تربیت دینی و دارای سه سطح است. سطح پیشادینی، سطح تربیت معنوی دینی (اسلامی) و سطح فرادینی (مبتنی بر مفاهیم و ارزش‌های معنوی مشترک بین ادیان).

مورد ششم (کشاورزیان و حسینی، ۱۴۰۰)

باطن دین، معنویت و روحانیت (قرب الهی، فناء فی الله و...) است و سیر شریعت-طریقت-حقیقت از ظاهر و پوسته بیرونی دین (صورت و احکام) آغاز و از مسیر طریقت به مغز و لب دین (حقیقت) حرکت می‌کند.

تربیت معنوی توجه به مواردی همچون معنای زندگی، کنار زدن حجاب‌ها و ناپایداری‌های مادی و زندگی روزمره و نظر افکندن به جاودانگی، زاده شدن از روح، طلب حقیقت، شادمانی، خودشکوفایی و ذات حیات و ارزش‌های انسانی است. تربیت معنوی، دعوت به قهر یا دوری گزیدن از جهان و ارتباط مسالمت‌آمیز با آفرینش نیست، بلکه سلوکی مداوم و روندی تدریجی است که برای زدودن حجاب از برابر دیدگان برای کشف حقیقت و باطن جهان صورت می‌گیرد. تربیت معنوی دارای سه بعد شناختی (تفکر شهودی و عقل ربانی، پیوند جزء با کل، اختفا و پنهانی، کنار زدن حجاب علم، خالی بودن و تشنگی برای یادگیری)، عاطفی (شادمانی و شفقت و محبت) و عملی (تربیت نفس و روح) است. تربیت معنوی سلوکی مداوم و روندی تدریجی است. مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی تربیت معنوی عبارت‌اند: آزادی و اراده، اخلاص.

هدف از تربیت معنوی، عشق و صلح است؛ صلح با خویشتن و با جهان و عشق ورزیدن به خدا و آفریدگان. هدف تربیت معنوی ترک خودخواهی است، منجر به زدودن حجاب از برابر دیدگان برای کشف حقیقت و باطن جهان می‌شود و فرد را برای خداگونگی و یک دیدار آماده می‌کند. اصول تربیت معنوی عبارت‌اند از: اصل معنویت و روحانیت (زیستن در ساحت روح). روش‌های تربیت معنوی: شامل روش‌های تربیتی کلی و عمومی (ظرفیت‌یابی، سکوت، خودیابی، اتصال، عبادت) و روش‌های تربیتی کاربردی و خاص (پرسش‌گری و شهامت، مواجهه با مسئله، همراهی با مرتبی، سکوت، گفتگو) هستند.

یافته‌ها (الگوی نظری تربیت معنوی با رویکرد اسلامی)

با تحلیل یافته‌های پژوهش‌های منتخب و کدگذاری داده‌ها، می‌توان داده‌ها را در هشت طبقه دسته‌بندی نمود که در تعبیر دیگر مؤلفه‌های الگوی نظری تربیت معنوی با رویکرد اسلامی هستند (تصویر ۱).



تصویر ۱. مؤلفه‌های الگوی نظری تربیت معنوی با رویکرد اسلامی

مفهوم معنویت اسلامی

بر اساس یافته‌ها معنویت اسلامی امری فطری است؛ اما فعلیت یافتن و پرورش آن نیازمند برنامه تربیتی جدی است که حتماً باید زیر نظر یک مربی انجام شود.

- مرجعیت امر معنوی، خدا (الله) است و لذا معنویت اسلامی، هدفی کاملاً مشخص و توحیدی دارد.

- زندگی معنوی با نوعی نیت و غایت خاص (قرب به خدا)، مستلزم فراتر رفتن توجه از ظواهر (مادیات) به باطن است، لذا نحوه نگرش و تعامل با دنیا به گونه‌ای تنظیم و مدیریت می‌شود که در جهت اعتلای روحی قرار بگیرد؛ به عبارت دیگر، معنویت اسلامی با نفی و سرکوب و ترک مادیات همراه نیست. بلکه با به رسمیت شناختن و ارزشمند دانستن جسم و ماده، نحوه تعامل درست با آن هم آموزش داده شده و تمرین می‌شود.

- معنویت اسلامی مستلزم حرکت از سطوح ظاهری دین (اعمال دینی) به باطن (حقیقت) آن است؛ در عین حال، اعمال صالح چون قاعدتاً همراه با نیت و اثر مطلوب و شکل‌دهنده نفس و جان (ملکات انسانی فاضله) هستند، همواره برای پرورش نفس و روح و معنویت لازمند.

- معنویت اسلامی نوعی آگاهی و توجه، نوعی جذب، و نوعی ارتباط با خود، خلق، محیط و خدا، با محوریت ارتباط با خداست و لذا "تمام" ساحت‌های وجودی را دربر می‌گیرد.

- امری آفاقی-انفسی است؛ اما جنبه انفسی آن بیشتر مورد تأکید است.
- چارچوب کاملاً خاص و مشخصی دارد و با ضوابط خاصی (مانند اجتناب از گناه) میسر است.
- کل‌گراست؛ از تمام منابع و امکانات وجودی برای رشد تمام ابعاد و شئون زندگی استفاده می‌کند.
- وجهه و ابعاد فردی-اجتماعی دارد.
- ذومراتب است و برخی مراتب آن پیشادینی و انسانی است.
- فقط دینداری کامل، معنویت را پوشش می‌دهد؛ اما دینداران قشری و سطحی فاقد معنویت هستند.
- نکته قابل تأمل: گاهی در برخی پژوهش‌ها قسمت مفهوم‌پردازی معنویت اسلامی با تفصیل و عمق کافی مطرح نشده و نیاز به تدقیق و تعمیق بیشتری دارد.

تعریف تربیت معنوی

در الگوپردازی‌های تربیت معنوی با رویکرد اسلامی، تربیت معنوی به شیوه‌های مختلفی تعریف شده است که نکات مد نظر در هر یک، شایسته تأمل می‌باشد. عناصری که در هر تعریف، ضروری تشخیص داده شده و برجسته شده، در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲: تعاریف تربیت معنوی و عناصر آنها

ردیف	تعریف تربیت معنوی	عناصر برجسته تعریف
۱	تربیت معنوی عبارت است از پروراندن و رشد دادن معنویت فطری متربی تا رسیدن وی به مرز ایمان و دیدن باطن و ماورای ظاهر دنیا و رهایی از تعلقات مادی و ایجاد حال و شور و جاذبه قوی و شدید و در عین حال منطقی و صحیح برای حرکت به سوی خدای یگانه و قرار گرفتن تحت ولایت نورانی او (انتظامی بیان و احقر، ۱۳۹۴).	ویژگی‌های متربی: معنویت فطری / ساحت‌های ایمانی، عاطفی و منطقی چشم‌انداز: رسیدن به مرز ایمان و دیدن باطن دنیا و رهایی از تعلقات مادی و ایجاد شور و جاذبه قوی و منطقی و صحیح هدف غایی (؟): قرار گرفتن تحت ولایت الله
۲	تربیت معنوی تربیتی است هدفمند، که فرد با ریاضت نفس و با ملازمت تقوای الهی و با یاد و ذکر خدا در همه مراحل زندگی، با توکل بر او و شکر انعام او از طریق عبودیت، و جلب رضایت و خشنودی او از طریق خدمت به بندگان خدا و رعایت عدالت و احسان و محبت در عملکرد خود و در رفتار با مردم، و با یادآوری مرگ و قیامت، دل را از وجود رذایل تصفیه نموده و با کسب فضایل به غایت تربیت معنوی که ملاقات با رب است نائل می‌آید (حیدری ستوده، ۱۳۹۱، ص ۱۸).	روش‌ها: ریاضت نفس، تقوای الهی، ... زمان تربیت: همه مراحل زندگی اهداف واسطه‌ای (؟): پاکسازی رذایل و کسب فضایل هدف غایی: ملاقات با رب

ردیف	تعریف تربیت معنوی	عناصر برجسته تعریف
۳	تربیت معنوی جهت‌دهی به فرایند تجرد نفس متناسب با فطرت ربوبی انسان است که در پی تقویت میل، تفصیل معرفت و انجام عمل متناسب با آن است (اشعری و همکاران، ۱۳۹۱).	ویژگی‌های متربی: فطرت ربوبی / ساحت‌های بینشی، گرایشی و رفتاری / نفس مجرد نقش و عمل متربی: جهت‌دهی به فرایند تجرد نفس اهداف واسطه‌ای (۴): تقویت میل، تفصیل معرفت و انجام عمل متناسب با آن
۴	تربیت دینی معنوی، رویکردی به تربیت دینی است که در یک نگاه جامع و کلان با تربیت روح و همچنین، توجه دادن به مفاهیم باطنی و عمیق دینی، توجه فرد را از سطوح ظاهری به هسته شریعت، که عقلانیت و فطرت است، معطوف می‌نماید (اقدامی و همکاران، ۱۴۰۰).	ویژگی‌های متربی: روح، عقل، فطرت اصل: تغییر توجه متربی بیان نسبت آن با تربیت دینی
۵	تربیت معنوی کودکان به لحاظ هستی‌شناختی، ناظر به جستجوی حقیقت درباره وجود خدا به‌عنوان مبدأ و منشأ، حقیقت و غایت هستی؛ در بعد معرفت‌شناختی ناظر به گسترش شناخت صحیح درباره خدا؛ و متناظر با بعد انسان‌شناختی ناظر به پرورش روح کودک؛ و تقویت گرایش او به خدا (پرورش فطرت الهی کودک)؛ و در بعد ارزش‌شناختی در پی تحقق آگاهانه و اختیاری حیات طیبه در همه ابعاد و شئون زندگی کودک می‌باشد (کیانی، ۱۳۹۴، ۱۷۳).	ویژگی‌های متربی: فطرت الهی / روح، آگاهی، اختیار / ساحت‌های بینشی، گرایشی و عملی تربیت معنوی: پوشش همه ابعاد و شئون زندگی
۶	تربیت معنوی توجه به مواردی همچون معنای زندگی، کنار زدن حجاب‌ها و ناپایداری‌های مادی و زندگی روزمره و نظر افکندن به جاودانگی، زاده شدن از روح، طلب حقیقت، شادمانی، خودشکوفایی و ذات حیات و ارزش‌های انسانی است. تربیت معنوی، دعوت به قهر یا دوری‌گزیدن از جهان و ارتباط مسالمت‌آمیز با آفرینش نیست، بلکه سلوکی مداوم و روندی تدریجی است که برای زدودن حجاب از برابر دیدگان برای کشف حقیقت و باطن جهان صورت می‌گیرد (کشاورزبان و حسینی، ۱۴۰۰).	ویژگی‌های متربی: روح جاودانه، خودشکوفای ارائه تعریف ایجابی و سلبی محتوا: معنای زندگی، جاودانگی، حقیقت، ذات حیات، ارزش‌های زندگی هدف: حجاب زدایی و کشف حقیقت و باطن جهان اصل: مداومت و تدریج روش: اجتناب از قهر و دوری‌گزینی از جهان

بر اساس یافته‌ها، تربیت معنوی در رویکرد اسلامی، غالباً به صورت برنامه‌ای (و ترکیبی از تعاریف ساختارگرایانه و غایت‌گرا) تعریف می‌شود؛ یعنی مشخص می‌کند که مربی دقیقاً چه کاری انجام می‌دهد؟ چگونه؟ قرار است چه تغییراتی در متربی ایجاد شود؟ و چرا؟ در تعاریف فوق، تربیت معنوی گاهی با «توصیف وضع مطلوب» تعریف شده است

(مانند تعریف ۱)، گاهی از طریق «توضیح روش‌ها و لیستی از کارهایی که متربی باید انجام دهد» (مانند تعریف ۲)، گاهی از طریق «مشخص کردن کارهایی که (متناظر با مبانی فلسفی چهارگانه) باید انجام گیرد» (مانند تعریف ۵) و گاهی با بیان «محتوا» (آنچه باید مورد توجه قرار بگیرد) (مانند تعریف ۶) و گاهی «مبتنی بر پرورش وجودی» شکل گرفته است (مانند تعریف ۳). بنابراین، محققان به شیوه‌های نسبتاً متنوعی به مفهوم نزدیک شده‌اند.

نکته دیگر آنکه بر اساس تعاریف مذکور، آنچه در تربیت معنوی «موضوع تغییر» قرار می‌گیرد، مواردی شامل: دل، نفس، اخلاق (تعریف ۲)، جهت توجه (تعریف ۴)، توجه، آگاهی، عواطف (تعریف ۶)، میل، معرفت، عمل (تعریف ۳)، معرفت و میل و عمل؛ روح و جسم و تمام ابعاد و شئون زندگی (تعریف ۵) می‌باشد. بدین ترتیب، تربیت معنوی گاه متمرکز بر تغییرات شناختی و گاه تمام ساحت‌ها و شئون زندگی را دربر می‌گیرد.

مسیر اصلی تغییراتی که قرار است در متربی ایجاد شود، در تعریف ۱ حرکت شورمندانه و منطقی از ظاهر به باطن و به سوی خدا است؛ در تعریف ۲ اصلاح اخلاقی؛ در تعریف ۳ تجرد نفس؛ در تعریف ۴ تغییر توجه از سطوح ظاهری به هسته شریعت (عقلانیت و فطرت)؛ در تعریف ۵ حرکت همه‌جانبه به سوی خدا؛ و در تعریف ۶ توجه به معنا و باطن حیات است. بدین ترتیب، در طی تربیت معنوی با رویکرد اسلامی، ساحت‌های شناختی، عاطفی، عملی و اخلاقی تحول می‌یابند. نکته قابل توجه اینکه به نظر می‌رسد در رویکرد اسلامی تعاریف تربیت معنوی، با تربیت عرفانی و تربیت اخلاقی هم‌پوشانی دارند.

نکاتی برای تأمل: به‌طورکلی عدم تصریح به تمایز یا نسبت میان تربیت معنوی با سایر ساحت‌های تربیت به‌ویژه تربیت عرفانی، دینی و اخلاقی، مسئله‌ای رایج و قابل تأمل است.

تأمل در سایر پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد که در بسیاری موارد این مفاهیم در ترکیب با هم و یا مکمل هم استفاده شده‌اند. مثلاً، گاه تربیت عرفانی و معنوی با هم در یک ترکیب مشترک به‌کار رفته‌اند. موسوی‌نسب (۱۳۹۳) ذیل عنوان «اهداف، اصول و روش‌های تربیت عرفانی»، با ادبیات «تربیت عرفانی معنوی» به بحث می‌پردازد و آن را این‌گونه تعریف می‌کند: زمینه‌سازی برای تعالی‌بخشی و شکوفاسازی نیازها و ظرفیت‌های معنوی متربی در چارچوب شریعت و آماده‌سازی وی برای پیمودن مراحل سیر و سلوک و شهود حق. ایشان «تربیت معنوی عرفانی» را روح و باطن تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی می‌دانند.

گاهی نیز تربیت اخلاقی و عرفانی با هم یک ترکیب را تشکیل می‌دهند. بهشتی (۱۴۰۱) «تربیت اخلاقی عرفانی» را مورد بحث قرار می‌دهد و روش‌های آن را تبیین می‌کند. از نظر ایشان،

«تربیت اخلاقی عرفانی» فرایند شناختن فضایل و رذایل و پرورش و تثبیت فضایل و پیراستگی از رذایل و تزکیه و تهذیب نفس به منظور پرورش و عروج روح و طی مدارج کمال از مرحله سیر الی الله تا وصول بالله است (بهشتی، ۱۳۹۸، ص ۱۷۹-۱۷۸). طبق این تعریف به نظر می‌رسد که اخلاق طریقه رسیدن به عرفان است.

فنائی اشکوری (۱۳۹۲) نیز اخلاق را جزء ضروری عرفان و لازمه ذاتی آن می‌داند و از طرفی، اخلاق عرفانی (اخلاق مبتنی بر حب الهی) را تصحیح، تعمیق و تکمیل‌کننده اخلاق عرفی. در پژوهشی دیگر، تربیت اخلاقی جزو اهداف کوتاه‌مدت تربیت عرفانی محسوب شده است (شمشیری و نقیب‌زاده، ۱۳۸۴). فصیحی رامندی (۱۳۹۱) نیز معتقد است که تربیت عرفانی و تربیت اخلاقی یکسری اصول تربیتی مشترک و به علاوه، یکسری اصول مختص به خود را دارند. به نظر سلحشوری (۱۳۹۰) غایت تربیت اخلاقی، تربیت معنوی است و غایت تربیت معنوی، تربیت دینی. در تعریف ۴ این تحقیق نیز تربیت معنوی به‌عنوان یکی از رویکردهای تربیت دینی معرفی شده است.

نکته قابل توجه دیگر اینکه در مبانی نظری تحول بنیادین (۱۳۹۰) صرفاً به ساحت «اعتقادی، عبادی، اخلاقی» تصریح شده است (ص ۲۹۹). لذا بررسی این نسبت‌ها هنوز نیاز به بررسی دقیق‌تری دارد.

ویژگی‌های تربیت معنوی

تربیت معنوی در رویکرد اسلامی، کاملاً هدفمند، خدامحور و مستلزم عبودیت، تقوای محور، باطن‌گرا، کل‌گرا، مستلزم هماهنگی جسم و روح، دارای ساحت‌های بینشی، گرایشی و عملی، ذومراتب، فردی-اجتماعی، نیازمند تمهید از کودکی، نیازمند آموزش‌های رسمی و غیررسمی است.

مبانی تربیت معنوی

مبانی نظری (انسان‌شناختی، هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی) تربیت معنوی در کلیه پژوهش‌های منتخب، نزدیک و هماهنگ با مبانی نظری سند تحول (۱۳۹۰) است که جهت محدودیت‌های موجود از ذکر آنها در اینجا خودداری می‌شود.

هدف تربیت معنوی

در تربیت معنوی با رویکرد اسلامی، هدف غایی عبارت است از: لقای الهی، رضوان الهی، قرب الهی در همه ابعاد و شئون زندگی. همچنین، می‌توان موارد زیر را به‌عنوان اهداف واسطه‌ای تربیت معنوی قلمداد کرد: تربیت حس و خیال و عقل، معرفت نفس، تزکیه نفس، آشنایی با زبان نمادین دین، تقویت ایمان و یقین، حجاب‌زدایی از حقیقت و باطن جهان، تقویت محبت خالصانه برای خدا، عمل خالصانه و تقوا.

اصول تربیت معنوی

مهم‌ترین اصول تربیت معنوی در رویکرد اسلامی بدین ترتیب‌اند: برانگیختن توجه متریبی به انواع و مراتب معرفت، به‌کارگیری منابع مختلف معرفت، پرورش و پالایش قوای حسی، خیالی و عقلی، پرورش اعتقادات صحیح درباره خدا و زدودن خطاهای شناختی، نمادپردازی مفاهیم دینی در قالب‌های جذاب و متنوع هنری، توسعه چشم‌انداز کودک درباره اعتقادات و امکانات معنوی سایر سنن و چشم‌اندازها، پرورش تفکر انتقادی، تقویت حب عبودی و خالصانه، پرورش اراده نیک، آزادگی (از خود، از غیرخدا)، تقویت خودکنترلی، ایجاد ملکات نیک، هدایت شأن اعتقادی، عبادی و اخلاقی (و شأن زیستی و بدنی و شأن اجتماعی و سیاسی و شأن اقتصادی و حرفه‌ای و شأن علمی و فناوری و شأن هنری و زیباشناختی متریبی) در مسیر تحقق حیات طیبه، توجه به تفاوت‌های فردی، اعتدال، تدریج و استمرار، الگومحوری.

روش‌های تربیت معنوی

روش‌های زیر برای تربیت معنوی در رویکرد اسلامی پیشنهاد می‌شود: عبادت، ذکر، دعا، تلاوت و انس با قرآن، یادآوری قیامت و حیات اخروی، روش الگویی، عبرت، استعاره، تمرکز بر یک صورت خیالی، تفکر و اندیشه مقایسه‌ای، پرسشگری، مواجهه با مسئله، گفتگو، اعطای بینش، مراقبه و محاسبه، کناره‌گیری، سکوت، عادت شکنی، تکرار عمل، آزمایش و ابتلا، موعظه، انجام واجبات و ترک محرّمات، امر و نهی، توبه، همراهی با اهل معنویت، جهاد.

نسبت تربیت معنوی با دین

در رویکرد اسلامی، معنویت، باطن و پیام همه ادیان است و ادیان در پی معنوی کردن بشر هستند. لذا دینداری کامل، معنویت را با خود دارد. با این حال، پژوهش‌های موجود قلمرو تربیت معنوی را

بزرگتر از تربیت دینی نشان می‌دهند و مرتبه اول تربیت معنوی، را پیشادینی می‌دانند که متربی را برای تربیت معنوی دینی آماده می‌کند.

نتیجه‌گیری

با ورود اصطلاح نسبتاً جدید تربیت معنوی به کشور، در اولین قدم لازم است الگوی نظری آن با رویکرد اسلامی به دقت مشخص شود. روشن کردن الگوی نظری تربیت معنوی و مشخص شدن اینکه مربیان دقیقاً چه کارهایی باید انجام دهند و لذا چه صلاحیت‌هایی باید داشته باشند، این سؤال را پیش می‌آورد که متولیان این حوزه تربیتی به‌طور مشخص چه کسانی با چه تخصص‌هایی باید باشند؟ آیا معنویت (با رویکرد اسلامی)، بیشتر ماهیت دینی و مذهبی دارد یا روان‌شناختی یا اخلاقی عرفی، و یا همه اینها و یا ماهیتی دیگر؟ همین‌طور، تدوین محتوای آموزشی، تدارک فعالیت‌های یادگیری مناسب، مرحله‌بندی نمودن تربیت، تصمیم‌گیری راجع به جزئیات شیوه‌های تدریس و تربیت و بسیاری موارد دیگر، در گروی در دسترس بودن یک الگوی نظری کامل و دقیق است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، الگوی نظری تربیت معنوی با رویکرد اسلامی با هشت مؤلفه شناسایی و تبیین شد؛ تربیت معنوی با رویکرد اسلامی، تربیتی نظام‌مند، دارای هدف و غایت مشخص، توحیدمحور، مبتنی بر تقوا، کل‌گرا و همه‌جانبه و ذومراتب است؛ بنابراین، می‌تواند با سایر رویکردهای تربیت معنوی و نیز تربیت معنوی در سایر ادیان گفتگو و تعامل داشته باشد. در عین حال، هنوز ابهاماتی در این زمینه وجود دارد که رفع آنها مستلزم انجام پژوهش‌های بیشتر است. علاوه بر مسائل نظری همچون چیستی معنویت، مسئله تمایز و نسبت تربیت معنوی با تربیت دینی، اخلاقی و عرفانی و نظایر اینها، هنوز با سؤالات عملی‌تر دشواری نیز روبه‌رو هستیم: با توجه به اینکه بسیاری از مؤلفه‌های معنویت، درونی هستند، چگونه می‌توان وضعیت متربیان

را در این زمینه‌ها (نیت، عواطف، اعتقادات و...) مورد ارزیابی قرار داد؟

آیا با عنایت به فطری بودن معنویت، اتکا بر نظام‌های آموزشی رسمی، منجر به کاهش انگیزش

درونی و جایگزینی آن با انگیزه‌های بیرونی و آفت‌های بعدی نخواهد شد؟

با توجه به تفاوت‌های فردی، تفاوت در مراتب انسان‌ها، تفاوت در طرق حرکت به سوی الله و

نظایر اینها، چگونه می‌توان برنامه‌هایی قابل انطباق با این تفاوت‌ها طراحی نمود؟

مدرسه چگونه و در قالب چه برنامه درسی باید به این حوزه ورود کند؟

سیستم‌های تربیت معلم و تربیت مربی برای ایفای این مسئولیت، چگونه باید بازسازی شوند؟

و دوره‌های آموزشی ضمن خدمت برای چه کسانی و با چه محتوا و برنامه‌هایی باید طراحی و اجرا شود؟

چگونه گروه‌هایی از متخصصان از حوزه‌های مختلف (دین و عرفان و اخلاق، علوم تربیتی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، و حتی علوم اعصاب و مغز و بسیاری دیگر) باید با هم همکاری کنند؟

چگونه می‌توان خانواده‌ها را آموزش داد تا هوش معنوی کودکان را از همان ابتدای طفولیت و بلکه از دوران جنینی تقویت کنند؟

با رشد فزاینده فناوری‌های ارتباطی پیشرفته و نفوذ نگرش‌های مدرنیستی و پست مدرنیستی در باورهای نوجوانان و حتی کودکان، چگونه می‌توان با امواج مادی‌گرایی، لذت‌گرایی، ابتذال‌گرایی، عرفان‌ها و معنویت‌های کاذب، شبهه‌افکنی‌های دینی و اخلاقی در شبکه‌های مجازی مقابله کرد؟ با عنایت به گستردگی و محبوبیت فضای سایبر نزد کودکان و نوجوانان، چگونه می‌توان این فضا را به «فرصت» برای تربیت معنوی تبدیل نمود؟

با توجه به سیر تدریجی مجازی شدن آموزش‌ها، تربیت معنوی در آموزش مجازی چگونه ممکن و اجرا می‌گردد؟

چگونه می‌توان از ظرفیت فعالیت‌های تربیتی غیررسمی و بومی همچون پیاده‌روی اربعین، اردوهای جهادی دانش‌آموزی، سفرهای زیارتی، اردوی راهیان نور، مشارکت داوطلبانه در سازمان‌های خیریه مردم‌نهاد و نظایر اینها در راستای تربیت معنوی دانش‌آموزان بهره برد؟
سؤالات فوق می‌توانند مسیرهایی را برای پژوهش‌های بعدی در زمینه تربیت معنوی بگشایند.

قدردانی

این پژوهش با حمایت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه انجام گرفته است. بدین وسیله از حمایت‌های پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قدردانی می‌گردد.

منابع

۱. اشعری، زهرا؛ خسرو باقری و افضل السادات حسینی (۱۳۹۱)، «بررسی مفهوم، اصول و روش‌های تربیت معنوی از دیدگاه علامه طباطبایی»، تربیت اسلامی، ۷(۱۵)، ص ۸۹-۱۱۲.
۲. اشعری، زهرا (۱۳۹۸)، گفتگو در تربیت معنوی در: تربیت و معنویت، تهران: پردیس تربیتی توانا، وابسته به آستان قدس رضوی.
۳. اشعری، زهرا (۱۳۸۷)، «بررسی مفهوم اصول و روش‌های تربیت معنوی با تأکید بر آراء علامه طباطبائی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
۴. اقدامی، یداله؛ افضل السادات حسینی، محمدرضا شرفی و نرگس سجادیه (۱۴۰۰)، «تبیین الگوی رویکرد معنوی به تربیت دینی در دوره دوم کودکی (مبتهی بر معرفت‌شناسی از منظر علامه طباطبائی)»، تربیت اسلامی، ۱۶(۳۷)، ص ۵۳-۸۰.
۵. الوندی، محمدجواد (۱۳۹۳)، «طراحی الگوی مفهومی معنویت از دید حضرت امام خمینی علیه السلام با توجه به توصیه‌های معنوی ایشان به دست‌اندرکاران دفاع مقدس»، مطالعات راهبردی بسیج، ۱۷(۶۳)، ص ۵-۲۵.
۶. انتظامی‌بیان، نرگس و قدسی احقر (بهار و تابستان ۱۳۹۴)، «تبیین ماهیت تربیت معنوی و راهبردهای تحقق آن در آموزه‌های قرآنی»، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال هفتم، ش ۱ (پیاپی ۱۳).
۷. باغگلی، حسین؛ بختیار شعبانی ورکی، ابوالفضل غفاری و علی نهاوندی (پاییز ۱۳۹۱)، «نقد مفهوم «معنویت» در «تربیت معنوی» معاصر، معنویت دینی و نوپدید (تشابه ذاتی یا اشتراک لفظی)»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۱۶.
۸. برهمن، مریم و احمد سلحشوری (۱۳۹۹)، «تبیین مؤلفه‌های تربیت معنوی از دیدگاه امام علی علیه السلام»، پژوهش‌های نهج‌البلاغه، ۱۹(۶۴)، ص ۷۹-۱۰۴.
۹. بهشتی، محمد (۱۳۹۸)، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن (امام خمینی)، تهران: سمت.
۱۰. بهشتی، محمد (۱۴۰۱)، دلالت‌های تربیتی دعای عرفه در ساحت تربیت توحیدمدار با تکیه بر روش‌های تربیت اخلاقی عرفانی، تربیت اسلامی، ۱۷(۳۹)، ص ۹۳-۱۱۲.
۱۱. بیات، محمدحسین (بهار ۱۳۹۳)، «راهکارهای تعالی معنویت با تکیه بر نهج‌البلاغه»، بصیرت و تربیت اسلامی، ش ۲۸، ص ۲۵-۵۰.

۱۲. بیاتی، مهدی؛ سیدشمس الدین هاشمی مقدم و علیرضا فقیهی (پاییز ۱۳۹۶)، «طراحی و اعتبارسنجی مدل تربیت معنوی و اخلاقی کودکان پیش دبستانی»، پژوهش های اخلاقی، سال هشتم، شماره ویژه نامه.
۱۳. ثباتی، محمدرضا (۱۳۹۶)، «بررسی مبانی فلسفی تربیت معنوی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
۱۴. ثناگوی زاده، محمد؛ جعفر صادقی و سیدرسول موسوی (۱۴۰۰)، «شناسایی مؤلفه های تربیت معنوی کودک مبتنی بر قرآن و روایات»، نهمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران.
۱۵. حسین پور تنکابنی، رسول (بهار و تابستان ۱۳۹۹)، «تربیت معنوی و بایسته های معنویت گرایی در بینش، مَنِش و کُنِش رضوی (علیه السلام)»، علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، سال هشتم، ش ۱۴.
۱۶. حمیدیه، بهزاد (۱۳۹۸)، «شاخصه های معنویت اسلامی در راستای تحقق بیانیه گام دوم»، سلسله نشست های علمی همایش گام دوم انقلاب، پژوه (۱۳۹۱)، تربیت معنوی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) بر مبنای نامه های نهج البلاغه، پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و تاریخ آموزش و پرورش، دانشگاه ملایر.
۱۷. رضایت، فاطمه (۱۴۰۰)، «الگوی تربیت معنوی از دیدگاه امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام)»، رساله دکتری، دانشگاه قرآن و حدیث، دانشکده علوم و معارف حدیث.
۱۸. رضوی، سیدمحمدعباس (۱۳۹۶)، «مراحل تربیت معنوی (بررسی در قرآن و سنت)»، پایان نامه کارشناسی ارشد، جامعه المصطفی العالمیه، جامعه آل البیت (علیهم السلام).
۱۹. سلحشوری، احمد (تابستان ۱۳۹۰)، «حدود و ثغور تربیت اخلاقی، تربیت معنوی و تربیت دینی»، رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۲(۲) (پیاپی ۶)، ص ۴۱-۵۶.
۲۰. شمشیری، بابک؛ سعید رحیمیان و حسینعلی تجلی اردکانی (۱۳۹۸)، «بررسی برخی مؤلفه های برنامه درسی تربیت معنوی در چارچوب سنت گرایی سیدحسین نصر»، پژوهش های برنامه درسی، ۹(۱).
۲۱. شمشیری، بابک؛ سعید رحیمیان و حسینعلی تجلی اردکانی (بی تا)، «واکاوی مفهوم، مبانی و هدف های تربیت معنوی در اندیشه سیدحسین نصر، بی جا.
۲۲. شمشیری، بابک و عبدالحسین نقیب زاده (۱۳۸۴)، «فرایند تعلیم و تربیت با اقتباس از مبانی عرفان اسلامی»، دانشور رفتار، ۱۲(۱۲).

۲۳. صادق‌زاده قمصری، علیرضا (۱۳۹۸)، گفتگو در تربیت معنوی در: تربیت و معنویت، تهران: پردیس تربیتی توانا وابسته به آستان قدس رضوی.
۲۴. طهماسب‌زاده شیخ‌لار، داود و مهدیه جلیل‌زاده (۱۴۰۰)، «تبیین مؤلفه‌های تربیت معنوی در آموزه‌های دینی (قرآن) و غیردینی (سکولاریسم) و مطابقت آن با اسناد بالادستی برنامه درسی»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۲(۵۰)، ص ۲۳۱-۲۷۷.
۲۵. علاء‌الدین، سیدمحمدرضا (تابستان ۱۳۹۷)، «قرآن و تربیت معنوی خانواده در سور مکی به ترتیب نزول»، مجله قرآنی کوثر، ش ۶۲، ص ۶۹-۹۰.
۲۶. علم‌الهدی، جمیله (۱۳۹۸)، گفتگو در تربیت معنوی در: تربیت و معنویت، تهران: پردیس تربیتی توانا وابسته به آستان قدس رضوی.
۲۷. فصیحی رامندی، مهدی (۱۳۹۱)، «بررسی مقایسه‌ای اصول تربیت اخلاقی و تربیت عرفانی»، معرفت اخلاقی، ۳(۴)، ص ۳۹-۵۴.
۲۸. فنائی اشکوری، محمد (۱۳۹۲)، «نظریه عرفانی اخلاق»، پژوهش‌نامه اخلاق، ۶(۲۱)، ص ۷۷-۹۶.
۲۹. قاسمیان گرجی، علی اصغر (۱۳۹۳)، «تربیت معنوی در نهج‌البلاغه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۳۰. کشاورزبان، صادق و افضل‌السادات حسینی (۱۴۰۰)، «بررسی مقالات شمس‌جهت آشنایی با مکتب تربیتی شمس تبریزی و ارائه الگویی برای تربیت معنوی»، ادیان و عرفان، ۵۴(۱)، ص ۲۱۷-۲۳۶.
۳۱. کیانی، معصومه و مریم پورجمشیدی (۱۴۰۰)، «تبیین تربیت معنوی برای کودکان با تأکید بر مبانی نظری تحول‌بنیادین در نظام تربیت رسمی عمومی ایران و بررسی فرصت‌ها و چالش‌های یادگیری الکترونیکی برای آن»، مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۶(۲)، ص ۱۰۹-۱۳۲.
۳۲. کیانی، معصومه (۱۳۹۴)، «تبیین تربیت معنوی برای کودکان در غرب و نقد آن با تأکید بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران»، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
۳۳. کیانی، معصومه؛ محمود مهرمحمدی، علیرضا صادق‌زاده قمصری و محمود نوذری (۱۳۹۴)، «تبیین رویکردهای موجود درباره تربیت معنوی کودکان و نقد آنها با تأکید بر آموزه‌های اسلامی»، تعلیم و تربیت، ش ۱۲۶، ص ۱۰-۳۰.

۳۴. مرزبند، رحمت اله و علی اصغر زکوی (۱۳۹۶)، «بررسی مبانی و مؤلفه‌های سلامت معنوی با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی»، آیین حکمت، ۹(۳۳)، ص ۱۲۹-۱۵۴.
۳۵. مصباح، علی (۱۳۸۹)، «واکاوی مفهومی معنویت و مسئله معنا»، اخلاق پزشکی، ۴(۱۴).
۳۶. ملکی، هادی (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی مفهوم، اهداف، اصول و روش‌های تربیت معنوی از دیدگاه علامه طباطبایی و دیوید کار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ملایر، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۳۷. موسوی‌زاده، سیدجلال؛ احمد سلحشوری و ایراندخت فیاض (۱۴۰۰)، «تبیین الگوی مفهومی تربیت معنوی مبتنی بر صحیفه سجادیه در تعلیم و تربیت»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۲۵(۴)، ص ۱۱۶۷-۱۱۸۸.
۳۸. موسوی‌نسب، سیدمحمدرضا (۱۳۹۳)، «اهداف، اصول و روش‌های تربیت عرفانی»، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ۲(۱۲).
۳۹. ورمزیار، محسن؛ علی حسین احتشامی و منصور خوشخویی (۱۴۰۰)، «نقش آسیب‌های دنیاگرایی در تربیت معنوی از منظر نهج‌البلاغه»، پژوهش‌نامه نهج‌البلاغه، ۹(۳۴)، ص ۱۳۹-۱۵۶.
۴۰. ندیری ابیانه، فرشته و اعظم خاکی (۱۳۹۴)، «تربیت معنوی از دیدگاه امام خمینی»، اولین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی با رویکرد بومی-اسلامی و با تأکید بر پژوهش‌های نوین، ساری.
۴۱. نصراللهی، زهرا؛ محمدحسن حاجی رحیمیان طسوجی، محسن رضائی آدریانی و نرگس اسکندری (۱۳۹۷)، «تبیین مفهوم و ابعاد معنویت در تدریس از دیدگاه اساتید حوزه، دانشگاه و دانشجویان»، راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۱۱(۴)، ص ۱۰۳-۱۱۰.
۴۲. وکیلی، هادی؛ مریم داورنیا و زینب برخوردار (۱۳۹۶)، «معنویت برای کودکان در عرفان اسلامی با تکیه بر دیدگاه آیت‌الله شاه‌آبادی و امام خمینی»، حکمت معاصر، ۸(۲) (پیاپی ۲۴).
۴۳. هاشمی، فرشته سادات (۱۳۹۸)، «رویکرد امام سجاد (علیه‌السلام) به تربیت معنوی و فقهی با محوریت صحیفه سجادیه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی.
۴۴. یداللهی‌فر، محمدجواد؛ علیرضا فقیهی، محمد سیفی و همکاران (۱۳۹۷)، «اهداف و اصول تربیت معنوی بر اساس آموزه‌های امام علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه»، پژوهش‌نامه نهج‌البلاغه، ۶(۲۴)، ص ۱۰۵-۱۲۰.

۴۵. یوسفی، مجید (۱۳۸۹)، «آموزش معنوی در آثار امام محمد غزالی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

۴۶. _____ (۱۳۹۰)، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

47. Adams, K., Bull, R., Maynes, M.L.(2015), Early childhood spirituality in education: towards an understanding of the distinctive features of young children's spirituality, *European Early Childhood Education Research Journal*, 12 Jan 2015.
48. Arweck, E. and Nesbitt, E.(2007), *Spirituality in Education Promoting Children's Spiritual Development through Values*, Link to published version : <http://www.informaworld.com/smpp/content~content=a۷۸۲۷۹۷۹۷۸~db=a>.
49. Arya, K.(2017), *Spiritual Education: An Innovative Approach to Manifestation of Perfection*, *Learning Community*: 8(2): 83-87, August 2017, © 2017 New Delhi Publishers.
50. Bellous, J.E.(2021), *Spiritual Care as the Foundation for a Child's Religious Education*. *Religions*, 12: 954.
51. Chalmers, I., Hedges, L. V., & Cooper, H. (2002), A brief history of research synthesis. *Evaluation & the health professions*, 25(1), 12–37.
52. Cooper, H., Hedges, L.V., Jeffreycy, G.V. (2009), *The Handbook of Research Synthesis and Meta-Analysis*. 2nd Ed.
53. De Assis, R.(2021), *Teaching Religious Language to Nurture Spiritual Development*, *Journal of Christian Education in Korea*, Vol. 65: 9–27.
54. Fisher, J.(2014), *Importance of relating with God for spiritual well-being*. PhD dissertation faculty of education and arts, Federation University of Australia.
55. Giesenberg, A.(2000), *Spiritual development and young children*, *European, Early Childhood Education Research Journal*, 8(2) 23-37.
56. Moulin–Stozek, D.(2020), *Spiritual Development as an Educational Goal*, *ECNU Review of Education*, 3(3) 504–518.
57. Muminova, Z.(2021), *Personality: wellness and spiritual education*. *Academicia Globe: Inderscience Research*, 2(6), June, 2021.

58. Palmer, P. J.(1981), To know as we are known: education as a spiritual journey. San Francisco: Harper One.
59. Saini, M., & Shlonsky, A. (2012), Systematic synthesis of qualitative research. OUP USA.
60. Vikulova, L.G., Antuanetta G., Kozlova, Elena R., etal (2021), Preparation of Teachers for Spiritual and Moral Education, VII International Forum on Teacher Education, Proceedings IFTE–2021, 1787–1800.
61. Woodward, B.(2007), Spiritual Healing With Children with Special. Jessica Kingsley Publishers.

